

این تیم آغازگر مسیر موفقیت من بود

## برونو سزار: آرزو دارم روزی به سپاهان بازگردم

خارج از مستطیل سبز، برونو سزار همان مرد ساده و خانواده‌دوستی است که تصور می‌کنید: «وقت آزادم را با دوستانم فوتبال بازی می‌کنم یا کنار خانواده‌ام استراحت». این دو چیز همیشه به من انرژی می‌دهند.»

برخلاف بسیاری از لژیونرها که ایران را فقط ایستگاهی موقت می‌بینند، او رؤیای بازگشت دارد: آن‌هم نه با پیراهن بازیکن، بلکه با کت‌وشلوار مربیگری: «آرزویم این است که روزی به سپاهان برگردم، این بار به عنوان مربی. سپاهان فقط یک تیم نبود؛ بخشی از هویت ورزشی من شد.» از رسانه‌های ایران هم تعریف کرد: «کارشان را خیلی خوب انجام می‌دهید. گاهی اخبار را دنبال می‌کنم، به خصوص ایران ورزشی. پوشش‌تان واقعی و دقیق است.» اما یک پیشنهاد هم داشت: «کاش فوتبال ایران را بیشتر به دنیا نشان بدهید. این فوتبال شایسته دیده شدن در سطح جهانی است.»

در پایان، با نگاهی پرامید گفت: «هر دو کشور ایران و برزیل آینده‌ای درخشان دارند. استعدادها فراوانند و اگر حمایت‌ها ادامه پیدا کند، موفقیت‌های بزرگتری در راه خواهند بود.» برونو سزار هنوز با لبخند به اصفهان فکر می‌کند: به تیمی که مسیر موفقیتش را هموار کرد و قلبی که همچنان برای طلایی پوشان می‌تپد.

یک تیم، بلکه یک تاریخ پرافتخار است؛ با بازیکنان بزرگ و کاپ‌های درخشان. حس کردم وارد خانه دومم شده‌ام.» ماندگارترین خاطره‌اش؟ بدون تردید جامی که با سپاهان بالای سر برد. با افتخار گفت: «قهرمانی با سپاهان اولین عنوان بزرگ دوران حرفه‌ای من بود. هنوز صدای تشویق استادیوم نقش جهان در گوشم زنگ می‌زند و آن جام را هیچ‌گاه فراموش نخواهم کرد.» سخت‌ترین بازی؟ لحظه‌ای مکث کرد و پاسخ داد: «دیدار مقابل استقلال در لیگ قهرمانان آسیا، در اصفهان. آنها تیمی قدرتمند و منظم بودند، اما ما در خانه‌مان جنگیدیم و بردیم؛ چه شب فراموش نشدنی ای!»

از او پرسیدیم چه چیزی در سپاهان او را شگفت‌زده کرد؛ پاسخش قاطع بود: «ساختار حرفه‌ای، امکانات درجه یک، نظم تیمی و کیفیت بازیکنان؛ چیزی کم از بهترین تیم‌های برزیل نداشت. اگر دوباره فرصتی پیش بیاید، حتی یک لحظه درنگ نمی‌کنم و تا آخرین روز فوتبالم در سپاهان می‌مانم.»

درباره تفاوت فوتبال ایران و برزیل گفت: «تفاوت چشمگیری نمی‌بینم. هر دو کشور استعدادهای درخشان، تیم‌های پرقدرت و هوادارانی دیوانه‌وار دارند. سطح لیگ ایران واقعاً بالاست و از نظر من در بسیاری از زمینه‌ها هم‌تراز فوتبال برزیل است.»



آرزویم این است که

روزی به

سپاهان

برگردم،

این بار به

عنوان مربی.

سپاهان

فقط یک تیم

نبود؛ بخشی

از هویت

ورزشی من

شد



دو کشور و نگاهی به رسانه‌های ورزشی ایران سخن گفت. بازیکنی که هرچند دوران کوتاهی در لیگ ایران ماند، اما ردیای پررنگ و خاطره‌ای ماندگار در قلب هواداران سپاهان به‌جا گذاشت. او با لبخندی گرم از روزهای طلایی‌اش آغاز کرد: «فوتبال را در ریو برانکو، تیم شیرین حضور در ایران، تفاوت‌های فوتبال زادگاهم شروع کردم. همان‌جا بود که

مدیربرنامه‌هایم پلی میان من و سپاهان زد و من راهی ایران شدم تا پیراهن یکی از بزرگترین باشگاه‌های این سرزمین را بر تن کنم.»

وقتی از نخستین لحظه پوشیدن پیراهن طلایی سپاهان پرسیدیم، چشمانش برق زد: «آن روز یکی از خوشحال‌ترین روزهای عمرم بود. می‌دانستم سپاهان نه فقط

### گفت‌وگو

برونو سزار، مهاجم برزیلی پیشین سپاهان، در گفت‌وگویی صمیمی با «ایران ورزشی» از مسیر حرفه‌اش، تجربه شیرین حضور در ایران، تفاوت‌های فوتبال

ریکاردو آلوز در گفت‌وگوی اختصاصی با ایران ورزشی

## از زندگی کنار مردم ایران لذت می‌برم

آلوز همچنین تعاملش با هم‌تیمی‌ها و مربیان خود را حرفه‌ای و همراه با احترام متقابل توصیف کرد.

این بازیکن پرتغالی درباره تجربه‌اش با رسانه‌های ایرانی گفت: «رسانه‌ها هم مثل مردم ایران همیشه عادی و محترمانه بوده‌اند. همواره به من احترام گذاشته‌اند و حرف منفی‌ای درباره آنها ندارم.» در پاسخ به پرسشی درباره حواشی انتقالش به سپاهان و تنش‌های میان دو باشگاه، آلوز صریح توضیح می‌دهد: «فقط می‌توانم بگویم که به سپاهان آدمم چون تیمی با قهرمانی‌های متعدد است و تاریخش نشان می‌دهد که همیشه برای قهرمانی تلاش کرده. من هم به‌عنوان یک بازیکن حرفه‌ای با تفکری حرفه‌ای دوست دارم در این مسیر به باشگاهم کمک کنم تا به قهرمانی برسیم و در کنار هم به موفقیت‌های بیشتری دست پیدا کنیم.» این پاسخ نشان‌دهنده انگیزه بالای او برای کسب عنوان قهرمانی با سپاهان



محمد رضا رحمانی پور  
روزنامه نگار

ریکاردو آلوز، ستاره پرتغالی خط میانی سپاهان اصفهان، در فصلی که با انتقالی پرسروصدای تراکتور به جمع طلایی پوشان پیوست، خیلی زود به مهره‌ای کلیدی در ترکیب این تیم تبدیل شد. پاس‌های دقیق، دید وسیع و تأثیرگذاری او در میانه میدان بار دیگر نامش را بر سر زبان‌ها انداخت. آلوز در گفت‌وگویی اختصاصی با ایران ورزشی از تجربیاتش در فوتبال ایران، زندگی در اصفهان و حواشی انتقالش سخن گفت. او درباره زندگی در ایران، بویژه اصفهان، می‌گوید: «من شهر اصفهان را دوست دارم و خیلی راحت توانستم با زندگی در آن تطبیق پیدا کنم، به‌طور کلی ایرانی‌ها مردمان بسیار مهربانی هستند و از این بابت حس خیلی خوبی دارم. همیشه رابطه‌ای خوب و محترمانه با آنها داشته‌ام.»

مربیانی که در ایران با آنها کار کرده است، توضیح می‌دهد: «قریان بردیف و پاکو خمز مربیان بسیار خوب اما کاملاً متفاوتی بودند. به‌طور کلی ارتباط خوبی با هر دوی آنها داشتم. مدت‌زمان کمی است که با محرم نویدکیا کار می‌کنم، اما واقعاً از همکاری با او لذت می‌برم. او مربی بسیار خوبی است، به بازیکنان آزادی عمل می‌دهد، به آنها اعتماد دارد و در عین حال انسان بسیار خوبی است.» او درباره نحوه گذراندن اوقات فراغت خود در ایران گفت: «به موسیقی گوش می‌دهم، فوتبال تماشا می‌کنم، گاهی رانندگی می‌کنم و پدل هم بازی می‌کنم.»

آلوز در پایان پیامی به مردم ایران داد: «همین‌طور مهربان و خونگرم بمانید. چیزی که خیلی دوست دارم بیشتر ببینم و از آن لذت می‌برم این است که وقتی بیرون می‌روم، مردم را در پارک‌ها و خیابان‌ها ببینم که در کنار خانواده و دوستان‌شان هستند.»

است. آلوز با اشاره به علاقه‌اش به غذاهای ایرانی توضیح داد: «غذاهای ایرانی خیلی خوب هستند. خیلی از آنها را امتحان کرده‌ام و بسیاری را دوست داشتم و می‌توانم بگویم به‌طور کلی غذای ایرانی را می‌پسندم.» هافبک سپاهان درباره ورزشگاهی که بهترین جو را برایش داشته، توضیح داد: «در ایران تجربه زیادی از فضا و اتمسفر ورزشگاه‌ها دارم. اصفهان، تهران و تبریز بهترین فضا را داشتند، اما فکرمی‌کنم گرم‌ترین و پرشورترین شان تبریز بود. نمی‌خواهم در این مورد ریاکارانه صحبت کنم: واقعیت همین است.» او درباره میزان آشنایی‌اش با زبان فارسی گفت: «شروع کرده‌ام به فهمیدن خیلی از چیزها. در زمین فکرمی‌کنم خوب متوجه می‌شوم که هم‌تیمی‌ها چه می‌گویند و منظور فوتبالی‌شان را کاملاً درک می‌کنم.» آلوز در پاسخ به سؤالی درباره بهترین



پایندی خود را به اخلاق حرفه‌ای و دوری از حاشیه‌سازی‌های مخرب حفظ کرده‌اند. این تعادل نه تنها در لحن، بلکه در «پوشش فراگیر» رشته‌های ورزشی نمایان است. «ایران ورزشی» روزنامه‌ای بود که از روز اول به داشتن نگاهی گسترده‌تر پایبند بود و هرگز خود را محدود به دایره تنگ فوتبال مردان و باشگاه‌های پرطرفدار و اسم‌های بزرگ نکرده است؛ بلکه همواره رشته‌های کم‌توجه‌تری چون والیبال، بسکتبال، کشتی و ورزش‌های بانوان بوده است. این توجه به تمام ابعاد ورزش، نمادی از درک عمیق این نشریه

به رسالت خود به عنوان یک رسانه ورزشی ملی و جامع است. ۸ هزار شماره، یعنی ۸ هزار روز تلاش صادقانه برای انعکاس حقیقت. «ایران ورزشی» با این کارنامه درخشان، یک الگوی ماندگار است که ثابت می‌کند اصالت، نه در زرق و برق و جنجال‌سازی‌های مقطعی، بلکه در تعهد پایدار به حقیقت و انصاف نهفته است. «ایران ورزشی» در طول ۸ هزار شماره، همواره کوشیده است تا نه تنها یک روزنامه ورزشی، بلکه راوی صادق و دقیق تاریخ ورزش این سرزمین باشد. راهش دراز باد.

## میراث هشت‌هزارگی: راوی صادق یک تاریخ

خیال‌برانگیز است. و حالا رسیدن به شماره ۸۰۰۰ معلوم است که چه جلای دارد. سال به سال و روز به روز ایستادگی و استمرار. ۸۰۰۰ بار نگرانی برای عکس یک و تیتراصلی روزنامه. ۸۰۰۰ شب نگرانی برای آماده کردن صفحاتی که حرفی برای گفتن داشته باشد. نکته‌ای برای شنیدن.

یک روزنامه، میراث یک روزنامه، تنها صفحات آن و فایل‌های بی‌شمار الکترونیکی از عکس و مطالب و صفحات بسته شده نیست. ۸۰۰۰ شماره روزنامه، آرشيو زنده‌ای است از هزاران خاطره مشترک. آرشيوی است از این همه سال اتفاق و medial



سیامک رحمانی  
روزنامه نگار

روزنامه‌نگاری در ایران کار عاشقانه‌ای است. عشقی که برای کمتر کسی به وصال می‌رسد. می‌خواهد رؤیایان انتشار نشریات و رسانه‌هایی متعالی باشد یا لذت بردن از کار حرفه‌ای روزنامه‌نگاری، در همین فضااست که ماندن و فقط خود دوام آوردن می‌شود آرزو. بجای روزنامه‌نگارهایی که کار و زندگی‌شان به مو و کلمه‌ای بند است، شماره ۱۰۰۰ و شماره ۲۰۰۰،

